دو ماهنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شمـارهٔ ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸

بازوبندهایی از جنس حرز و آرزو
(پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندهای دورهٔ قاجار)*

سکینه خاتون محمودی[۱] سید ابوتراب احمدپناه [۲]* محمد خزایی[۳]

(دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۸)

چکیده

امروزه در مطالعات تاریخی و فرهنگی، اشیا و تصاویر نیز همچون متن‌های نوشتاری، به‌عنوان منابع اطلاعاتی شناخته می‌شوند. منابعی که نه‌تنها در تکمیل اطلاعات به‌دست آمده از منابع نوشتاری اهمیت دارند؛ بلکه قادر به ارائهٔ اطلاعاتی هستند که نویسندگان متن‌های تاریخی قادر به بیان آن‌ها نبوده‌اند. با بررسی این آثار و خوانش مضامین فرهنگی رایج بر آن‌ها می‌توان به فهم و درکی عمیق‌تر از اندیشه‌های رایج و شیوهٔ زیست و زندگی مردم نائل شد. اشیای طلسمی و تعویذی در زمرهٔ اسناد اصیلی قرار دارند که شیوهٔ طراحی و پیوست‌های فرهنگی و مذهبی رایج در آن‌ها، پیوستگی بسیاری با فرهنگ عامهٔ مردم دارد. در این تحقیق که با هدف شناخت تأثیر ایدئولوژی و مذهب بر فرهنگ مادی دورهٔ قاجار و به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی انجام پذیرفته، تلاش شده است تا با مطالعهٔ موردی انواع

---

*. این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول با عنوان «بررسی نسبت عناصر هنری رایج در فرهنگ مادی دوران قاجار با آموزه‌های شیعی» است که با راهنمایی نویسندهٔ دوم و سوم در دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

۱. دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

۲. استادیار گروه ارتباط تصویری دانشکدهٔ هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس (نویسندهٔ مسئول).

* Ahmadp_a@modares.ac.ir

۳. استاد گروه ارتباط تصویری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

«بازوبندها»، به چگونگی کاربرد مضامین مختلف بر روی این آثار پرداخته و بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که باورداشت‌های اسلامی ـ شیعی چگونه در ساختار ظاهری و نقوش رایج در بازوبندهای قاجاری نمود یافته‌اند؟ در این پژوهش در دو بخش اصلیِ جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی و پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندها (روایت‌ها، کُدها و رمزنگاره‌ها) بدین مسئله پرداخته شد. نتیجهٔ این بررسی ضمن اینکه نشان از تأثیر مستقیم مذهب تشیع و اعتقادات اسلامی بر بازوبندهای دورهٔ قاجار دارد، بیانگر تأثیر مستقیم باورهای عامیانه در شیوهٔ کاربرد و طراحی این آثار است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ مادی، مذهب تشیع، بازوبند، دورهٔ قاجار.

۱. مقدمه

از قدیم‌ترین روزگاران تاکنون، مردم با مدد جستن از عناصر مختلف، تلاش کرده‌اند تا خود را از بلایا در امان نگاه دارند. یکی از این راه‌ها استفاده از طلسم و تعویذ است. پیوستگی طلسم‌ها و تعاویذ با نیروهای اسرارآمیز، هاله‌های اسطوره‌ای و معنایی متعددی به اشیای مرتبط با این پدیده بخشیده است. خاصیت بسیاری از اشیای طلسمی و تعویذی در جلب خیر و دفع شر ـ که کارکردی کارگشا و بلاگردان دارد ـ جایگاه خاصی را برای این اشیا در زندگی مردم رقم زده است؛ جایگاهی که با ذهن و زندگی عامهٔ مردم پیوند یافته و با نمادها و نمودهای مختلف پدیدار شده است.

اشیای طلسمی به‌جا مانده از دوره‌های گذشته، به‌دلیل پیوستگی با زندگی عامهٔ مردم، در شمار اسناد اصیلی قرار دارند که می‌توانند در بازسازی ساختار اندیشهٔ مردم نقش بسیاری را ایفا کنند. اهمیت این اشیا در تکمیل اطلاعات به‌دست آمده از منابع نوشتاری، امروزه بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا این آثار قادر به ارائهٔ اطلاعاتی هستند که نویسندگان متن‌های تاریخی و فرهنگی، کمتر به بیان آن‌ها پرداخته‌اند. مفاهیم به‌کار رفته در این اشیا ـ که در قالب مجموعه‌ای از علائم نوشتاری و تصویری نمود یافته ـ وجه مشترک تمامی اشیای طلسمی و تعویذی در سراسر جهان است؛ اما در فرهنگ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

عامیانهٔ مردم ایران، پس از دورهٔ صفوی و در دورهٔ قاجار، مفاهیم اسلامی ـ شیعی جایگاه خاصی در عرصهٔ فرهنگ عمومی پیدا کرده و همراه با عناصر فرهنگ ایرانی، از وجوه پربسامد در طراحی اشیای طلسمی و تعویذی بوده‌اند. بهره‌گیری از گنجینهٔ پر بهای دینی بر روی بسیاری از اشیای طلسمی و تعویذی با باورهای مردم درخصوص اثرگذاری برخی تصاویر، کلمات، آیات و اذکار ارتباط دارد.

بازوبندها از مشهورترین اشیای طلسمی و تعویذی در فرهنگ ایرانی هستند که کارکردی صرفاً بلاگردان و کارگشا دارند. در این پژوهش که با هدف شناخت تأثیر باورداشت‌های مذهبی ـ اسلامی و شیعی بر فرهنگ مادی شیعیان، انجام پذیرفته، تلاش شده است تا با مطالعهٔ موردی «بازوبند» به‌عنوان یکی از عناصر مادی رایج در فرهنگ عامهٔ مردم، به تأثیر این عقاید بر شیوهٔ طراحی بازوبندها در دورهٔ قاجار پرداخته شود. آنچه در این گفتار مورد بحث است، نشان دادن روایت‌ها، کُدها و رمزنگاره‌های رایج بر روی بازوبندهای دورهٔ قاجار است. بنابراین با فرض اینکه باورداشت‌ها و عقاید اسلامی ـ شیعی بر فرهنگ مادی عامهٔ مردم در دورهٔ قاجار تأثیر مستقیم داشته است، تلاش می‌شود تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که باورداشت‌های اسلامی ـ شیعی چگونه در ساختار ظاهری و نقوش رایج در بازوبندهای قاجاری نمود یافته‌اند؟ و پرکاربردترین مضامین به‌کار رفته در آن‌ها چه بوده است؟

۲. روش تحقیق

روش کار در این پژوهش به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی است. نمونه‌های مورد بررسی بر مبنای فرضیه و سؤالات تحقیق، به شیوهٔ انتخابی از بین آثار موجود در مجموعه‌های الکترونیکی آنلاین موزه‌های بریتیش، اشمولن، سایت زنان قاجار، کریستی و منابع چاپی همچون *طلسم گرافیک سنتی* اثر تناولی (۱۳۹۴) و *مجموعه هنر اسلامی (ابزارآلات علمی)* اثر خلیلی (۱۳۸۷) انتخاب شده‌اند. از بین ۳۵ اثر موجود در این مجموعه‌ها، تعداد ۲۵ اثر، به روش نمونه‌گیری انتخابی برگزیده و به تناسب موضوع، تصویر تعدادی از آن‌ها در متن گنجانده شد. تحلیل این آثار بر مبنای رویکرد فرهنگی جفری الکساندر[1] و فیلیپ اسمیت[2] انجام شده است؛ یعنی رویکردی که با ترکیب و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

تفسیر برخی از آراء دورکیم[۳]، پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی به همراه نشانه‌شناسی شکل گرفته است و می‌کوشد تا ساختار فرهنگ را توضیح دهد.

۳. پیشینهٔ تحقیق

موارد معدودی تحقیقات انجام‌شده در مورد «بازوبندها» در حوزهٔ ادبیات و اشاره به رسوم پهلوانی و اساطیری وجود دارد؛ ازجمله می‌توان به مقالات آیدنلو (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل چند رسم پهلوانی در متون حماسی»، همو (۱۳۹۲) «برخی نکات و بن‌مایه‌های داستانی منظومهٔ پهلوانی عامیانهٔ زرین‌قبانامه» اشاره کرد. نویسنده در این مقالات، بازوبند را در منظومه‌های پهلوانی و اساطیری مورد توجه قرار داده است. همچنین، خالقی‌مطلق (۱۳۸۸) در کتاب *گل رنج‌های کهن* به موضوع بازوبند پهلوانی اشاره کرده است. بزرگ‌بیگدلی و همکاران (۱۳۸۶) نیز در مقالهٔ «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)» به رازآمیزی حلقه و دایره به‌عنوان نماد جاودانگی پرداخته، موضوع پیوند دایره، سنگ، فلز و باورهای مرتبط با آن‌ها را در اشیای مختلفی همچون انگشتر، تاج، یاره، کمربند و از آن جمله بازوبند بررسی کرده‌اند. نیکوبخت و همکاران (۱۳۸۹) در مقالهٔ «فلز و قداست آن در اساطیر ملی و متون دینی» جایگاه فلز و ویژگی‌های شرستیزی اشیای فلزی را در باور مردم مورد توجه قرار داده، در این بررسی، به اشیایی همچون بازوبند نیز اشاره کرده‌اند. در مورد نمونه‌های عینی بازوبندها به‌عنوان بخشی از فرهنگ عامه و هنر اسلامی، تناولی (۱۳۹۴) در کتاب *طلسم گرافیک سنتی ایران* و خلیلی (۱۳۸۷) در کتاب *مجموعه هنر اسلامی (ابزارآلات علمی)* به این موضوع پرداخته و در آثار خود نمونه‌هایی از بازوبندهای فلزی را معرفی کرده‌اند. لیکن تحلیلی در این زمینه صورت نگرفته است. جست‌وجو برای یافتن پژوهشی مشابه در مورد بازوبندهای دورهٔ قاجار و مطالعهٔ پیوست‌های صوری و فرهنگی رایج در آن‌ها، نتیجه‌ای در بر نداشت. این مقاله از حیث پرداختن به فرهنگ مادی دورهٔ قاجار و مطالعهٔ موردی بازوبندها به‌عنوان بخشی از فرهنگ عامه، پژوهشی نو محسوب می‌شود.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴. مبانی نظری

فرهنگ مادی، بخشی از فرهنگ است که دربرگیرندهٔ اشیا و وجه مادی زندگی انسان‌هاست. رویکردهای فرهنگی که بر معانی فرهنگی اشیا تأکید دارند، از مهم‌ترین جریان‌های رایج در مطالعهٔ فرهنگ مادی هستند. امیل دورکیم، مارسل موس، پی‌یر بوردیو، جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت از مشهورترین چهره‌های این جریان هستند (وودوارد، ۲۰۰۷: ۳). این مقاله بر مبنای روش تحلیلی جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت، از مشهورترین نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان معاصر، تدوین شده است. مزیت طرح الکساندر و اسمیت، نسبت به سایر شیوه‌ها، توجه به ترکیب و تلفیق نظریه‌هاست که چارچوب روش‌شناختی جامعی را برای مطالعهٔ فرهنگ فراهم می‌کند. شاخص‌ترین وجوه تفکر آن‌ها که مناسب این پژوهش است، بدین شرح‌اند:

– «خودآیینی یا استقلال نسبی فرهنگ»[۴]: منظور از خودآیینی فرهنگ، جداسازی تحلیلی و دقیق فرهنگ از ساختار اجتماعی است. الکساندر و اسمیت در مطالعات خود، فرهنگ را به‌عنوان علت نگاه می‌کنند، نه اساساً به‌عنوان انعکاسی از زندگی اجتماعی (فخرائی، ۱۳۸۸: ۴۵).

– «توصیف ژرف»[۵]: الکساندر و اسمیت با تأکید بر استقلال نسبی فرهنگ، به تبیین ویژگی‌ها یا اصول روش‌شناختی خود می‌پردازند. اصل اول در این برنامه، بازسازی قوی و متقاعدکنندهٔ متن اجتماعی است و آنچه برای این امر مورد نیاز است، «"توصیف ژرف" گیرتزی از رمزگان، روایت‌ها و نمادهایی است که شبکه‌ها و تارهای بافته‌شدهٔ معنای اجتماعی را به‌وجود می‌آورند» (الکساندر و اسمیت، ۲۰۰۶: ۱۳). منظور از توصیف ژرف، رویه‌ای است که در آن معنا از طریق ارجاع به زمینهٔ فرهنگی گسترده‌تر قابل فهم می‌شود.

– شیء فرهنگی: از نظر گیرتز[۶]، کالاهای مادی می‌توانند جنبه‌ای از فرهنگ باشند؛ اما فقط هنگامی که معنایی به آن‌ها نسبت داده شود (هال و جونیتس،۱۳۹۰: ۳۶۰). هر پدیده ذاتاً دنیوی یا مقدس نیست؛ بلکه زمانی یکی از این دو خصلت را پیدا می‌کند که مردم یا برای آن پدیده ارزش فایده‌آمیز قائل شوند و یا برعکس، صفات

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

ذاتی‌ای را به آن نسبت دهند که به ارزش وسیله‌ای‌اش هیچ ارتباطی نداشته باشد (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

– کُدهای نمادین خیر و شر: الکساندر با الهام از دوگانهٔ لاهوتی[۷] / ناسوتی[۸] دورکیم، طرح تحلیلی خود را گسترش می‌دهد و می‌گوید: «فرهنگ باید به‌عنوان نظامی از کُدهای نمادین درک شود که خیر و شر را مشخص می‌کند» (الکساندر و اسمیت، ۱۹۹۳: ۱۹۶). تقسیم جهان به دو حوزه، یکی دربردارندهٔ همهٔ چیزهای لاهوتی و دیگری دربردارندهٔ همهٔ چیزهای ناسوتی خط تمایزی است که اندیشهٔ دینی را از اندیشه‌های دیگر جدا می‌کند.

در ادامهٔ مطلب با توجه به این نظریه، به موضوع اصلی این تحقیق در دو بخش اصلی: جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی و پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندهای دورهٔ قاجار، پرداخته می‌شود.

۴-۱. جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی

بازوبند در زندگی ایرانیان تاریخ فرهنگی دیرینه‌ای دارد. آنچه تاکنون از این میراث کهن به روزگار ما رسیده، مجموعه‌ای است از بازوبندهای متعلق به دوره‌های تاریخی مختلف که در موزه‌های سرتاسر جهان پراکنده شده‌اند.[۹] مضامین مندرج در این بازوبندها، ضمن آنکه نشان از شیوه‌های هنری رایج و سلیقهٔ حاکم بر هر دوره دارد، بیانگر جایگاه این آثار در نظام اندیشه و زندگی مردم نیز هست. برای فهم بهتر جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، این موضوع در سه بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱-۱. اهمیت بازوبندها

از روزگار کهن، حلقهٔ قدرت یا دایرهٔ جادو یکی از ابتدایی‌ترین ابزار طلسمی محسوب می‌شده است. کاربرد نمادها، تصاویر و رمزنگاره‌ها در این آثار، که شناخت و دریافت معانی آن‌ها موقوف به آگاهی از معنای نقش‌ها و نشانه‌هاست، حکایت از جست‌وجوی دراز و تلاش پیوستهٔ آدمی در به‌کارگیری نوعی معرفت هستی‌شناختی در جلب خیر و دفع شر دارد. هم‌پیوندی مقدس سنگ، فلز و دایره که دارای تعابیر معناشناختی بسیاری

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی است، یکی از این تدابیر حکیمانه است (بزرگ‌بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶). این باور دیرین که فضاهای دایره‌ای و حلقه‌ای حافظ هر آن چیزی است که در درون حلقه جای دارد، سبب کاربرد دایره‌های حمایتگر به اشکال مختلفی همچون: تاج، کمربند، حلقه، انگشتر، یاره، گوشواره و بازوبند شده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۱۷۴).

تاج در این عرصه، علاوه بر آنکه نماد قدرت است، به‌سبب نمادگرایی دایره، نشانهٔ کمال و شراکت با طبیعت آسمانی نیز هست و کمربند ضمن آنکه بخشی از لباس و زینت است، کارکردی شرستیز و رازآمیز می‌یابد (بزرگ بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۳). اما انگشتر، در بین این آثار از مهم‌ترین دایره‌های حمایتگر است که کاربرد گسترده‌ای دارد. فضای رازآمیز و جادویی دربارهٔ انگشتر نه‌تنها از خلال مطالعهٔ آثار تاریخی و روایت‌های مربوط به انگشترهای سحرآمیزی همچون انگشتری حضرت سلیمان (ع) قابل ادراک است؛ بلکه در دوران اسلامی با مطالعهٔ توصیه‌های انجام‌شده در باب کاربرد انواع سنگ‌ها و نوشته‌های مورد استفاده بر روی انگشترها، بیشتر فهمیده می‌شود. کتاب *حلیه‌المتقین* حاوی شرح مفصلی در این خصوص است (مجلسی، ۱۳۷۳: ۱۵– ۲۱). یاره‌ها از دیگر اشیای محافظ‌اند که دو سر آن‌ها با نمادهای حیوانی مختلفی که گمان می‌رود کارکردهایی اعتقادی داشته یا نشانی توتمی و نیاکانی بوده‌اند، تزیین می‌شدند. بازوبندها نیز در طول حیات خود نه‌تنها حلقه‌ای رازآمیز، نشانی توتمی و نیاکانی، حرز و تعویذی برای محافظت، قدرت و کامیابی بوده‌اند؛ بلکه پیوست‌های محتوایی عمیقی نیز با فرهنگ ایرانی اسلامی داشته‌اند. یکی از این بازوبندها که شهرت بسیار زیادی دارد، بازوبند رستم است:

به بازوی رستم یکی مهره بود که آن مهره اندر جهان شهره بود

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۱)

در بعضی از متون به اهمیت و رازگونگی این بازوبند اشاره شده است: «رستم بازوبندی داشت مزین به گوهرهای گران‌بها که طلسمی بر آن بود و جز رستم هیچ کس نمی‌توانست آن خط طلسم را که بر لعل و زبرجد و الماس کنده بودند بخواند» (خالقی‌مطلق، ۱۳۸۸: ۸۸). طبق این روایت، بازوبند رستم نه‌تنها نشانی نیاکانی و اجدادی بلکه محتوی تعویذهایی طلسمی نیز بوده است. به تصریح *شاهنامه*، علاوه بر

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

رستم، بسیاری از پهلوانان ایرانی، بازوبندی حرزمانند یا نیاکانی بر بازو دارند. در برخی از این روایت‌ها بر خاستگاه مینوی یا قدسی بازوبندها تأکید شده است. بازوبند اسفندیار که خاستگاهی بهشتی دارد از این‌گونه است:

یکی نغز پولاد زنجیر داشت — نهان کرده از جادو آژیر داشت
به بازوش دربسته بُد زردهشت — به گشتاسپ آورده بود از بهشت
بدان آهن از جان اسفندیار — نبردی گمانی به بد روزگار

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۷)

این بازوبند که زرتشت آن را از بهشت آورده بود، جان اسفندیار را از شر آسیب‌ها حفظ می‌کرد و حرزی برای محافظت وی از گزندهای نهان اهریمنی بود. نیز در مواردی امتیازیافتگی این اشیا به‌علت تجلی قدرت یا قداستی است که به‌واسطهٔ پیوند با یک شخصیت قدسی یا قدرتمند حاصل شده است. چنان‌که در منظومهٔ پهلوانی *زرین‌قبانامه*، حضرت سلیمان (ع) بازوبندی بر بازوی «زرین‌قبا»، نوهٔ رستم (*زرین‌قبانامه*، ۱۳۹۳: ۲۱۴)، کاهنی چینی زنجیری حرزمانند را بر بازوی «هزبر بلا»، یکی از دشمنان ایرانیان (همان، ۳۶۹) و «شهبان جادو» زنجیر زرینی را بر بازوی «زادشم» پسر افراسیاب می‌بندد (همان، ۸۲۴).

از دیگر خاصیت‌های ذکرشده برای بازوبندها، درمانگری و شفابخشی است. چنان‌که کیخسرو مهره‌ای نیاکانی بر بازو داشت که درمان‌بخش زخمیان بود و با بستن آن بر بازوی گستهم، خستگی این پهلوان را مداوا می‌کرد:

زهوشنگ و طهمورث و جمشید — یکی مهره بد خستگان را امید

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

دایرهٔ اثربخشی این آثار به نحوی بوده است که قرار گرفتن آن‌ها بر روی بازو، متضمن کارآمدی آن‌ها بوده و در صورت باز شدن، این تأثیرات نیز ناپدید می‌شده است. چنان‌که در منظومهٔ *زرین‌قبانامه*، قمرطلعت با باز کردن زنجیر بازوبند زادشم که به رویین‌تنی شهرت داشت بر او زخم می‌زند و وی را گرفتار می‌سازد (*زرین‌قبانامه*، ۱۳۹۳: ۸۲۴).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴-۱-۲. ویژگی‌ها

بررسی ویژگی‌های فرمی بازوبندها، بیانگر ارتباط برخی از نمادها و پنداره‌های کهن با شیوهٔ طراحی این آثار است که به دو شکل عمده قابل مشاهده است:

۴-۱-۲-۱. از نظر شکل

بازوبندها به شکل‌های مختلفی مثل: چشم، دایره، شش‌گوشه، هشت‌گوشه یا چهارگوشه ساخته می‌شدند که برخی از آن‌ها دارای معانی نمادین هستند. از غلاف‌های تعویذی استوانه‌ای یا هشت‌گوشه که حامل قطعاتی از *قرآن* بوده و به منظور بستن بر بازو ساخته شده‌اند، نیز با نام بازوبند یاد می‌شود.

۴-۱-۲-۲. از نظر جنس

بیشتر بازوبندها از فلز ساخته می‌شدند و بر روی برخی از آن‌ها، سنگ‌های قیمتی به‌کار می‌رفت. شیوهٔ طراحی این آثار از نظر شکل، اندازه و جنس، به سلیقه و مکنت سفارش‌دهنده بستگی داشت. این بازوبندها در دو گروه بازوبندهای مهره‌ای و بازوبندهای فلزی قابل دسته‌بندی‌اند:

الف) بازوبندهای مهره‌ای

اعتقاد به درمان‌بخشی یا وجود برخی خواص سحرآمیز در انواع مهره‌ها و برخی از احجار کریمه، برای دفع چشم‌زخم و محافظت از بلایا از دیرباز در فرهنگ ایرانی رایج بوده است. سابقهٔ مکتوب این باور، به آثار نوشته‌شده به زبان پهلوی برمی‌گردد. کتاب *روایت پهلوی* از کهن‌ترین آثاری است که در آن به خواص انواع مهره‌ها اشاره شده و استفاده از آن‌ها برای رسیدن به بسیاری از خواسته‌ها توصیه شده است؛ همچون همراه داشتن مهرهٔ زرد برای دستیابی به خواسته‌ها، مهرهٔ سیاه برای پیروزی در کارها، مهرهٔ کبود برای کامیابی و نظایر آن (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۸۱). احتمالاً بر اساس همین باور است که در بعضی از روایات پهلوانی ایران، شهریاران و یلان مهره، یاقوت، گوهر و بازوبند ساخته‌شده از سنگ‌های گران‌بها را به بازو دارند (آیدنلو، ۱۳۸۹: ۱۲). این

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

موضوع در جای جای *شاهنامه* و سایر متون حماسی بازتاب یافته است. اعتقاد به اثربخشی و خواص ذاتی این سنگ‌ها در دوران اسلامی نیز تداوم یافت. در *تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی* خواص انواع سنگ‌ها شرح داده شده است. مثلاً خاصیت یاقوت برای کسب شکوه، هیبت، قوت و زود رسیدن به حوائج (طوسی، ۱۳۴۸: ۴۹)؛ زمرد برای قوت دل و درمان برخی امراض (همان، ۶۰) و فیروزه برای پیروزی بر خصم (همان، ۷۹).

سنگ‌های مورد استفاده در این بازوبندها اغلب بر روی قابی فلزی قرار می‌گرفتند. در اندیشهٔ ایرانیان فلز منشأ خیر، برکت و خوش‌یمنی دانسته شده و در سنت‌ها و اساطیر ایرانی به خاصیت ضد جادویی آهن اشارات ضمنی و صریح بسیاری شده است. طبق این روایات نه‌تنها گنبد آسمان که پیکر کیومرث، نخستین انسان و شهریار، و سرشت «شهریور»، یکی از نخستین امشاسپندان که وظیفهٔ مبارزه با اهریمن را بر عهده دارد، با فلز پیوند یافته است (فرنبغ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۴۹). بنا بر باورهای کهن، شهریور همه‌گونه کامهٔ خدایی، نیرومندی و کامروایی را با ابزار فلزین میسر می‌سازد (همان، ۱۱۲). وی فرشتهٔ موکل بر جواهرات هفت‌گانه و فلزاتی است که قوام صنعت دنیا به آن‌ها بسته است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۳۶). طبق این اعتقادات شهریور در پایان جهان با فلز گداخته به جنگ اهریمن می‌رود و بر او پیروز می‌شود (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۶۲). جداسازی حق از باطل و درست از نادرست در آیین «ور ایزدی» از تجلیات شهریور است (مزداپور، ۱۳۶۹: ۲۱۴). ایستادگی در برابر بیماری، مرگ، واژو (سوختگی)، تب، اژیواکه (مارگزیدگی)، چشم‌زخم، پوسیدگی، فساد، ناپاکی و پلیدی از دیگر وظایف وی است (رضی، ۱۳۷۶: ۱۸۰). احتمالاً بر اساس همین باور است که در برخی روایات به بستن زنجیر زرین یا آهنین بر بازوی پهلوان، اشاره شده است. به ویژگی آسمانی و قدسی فلز، نه‌تنها در متون پیش از اسلام که در متون اسلامی نیز تأکید شده است و مفسران *قرآن* در تفسیر آیهٔ ۲۵ سورهٔ حدید، به تقدس فلز و ویژگی آسمانی آن اشاره کرده‌اند. علاوه بر آن، در اعتقاد عامه، مظاهر اهریمنی مانند دیو و جن از «آهن» می‌ترسند (جهانشاهی‌افشار و مشیزی، ۱۳۹۶: ۳۳). تأثیر فلزات در دفع شر و گزند احتمالاً از دلایلی است که می‌تواند با کاربرد فلزات در بازوبندها ارتباط داشته باشد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

بازوبندهای مهره‌ای تا دورهٔ قاجار در ایران رایج بود. رسم بستن بازوبند پهلوانی نیز در این دوره ادامه داشت. بازو مهره یا بازوبند پهلوانی در دورهٔ ناصری از جانب شاه به پهلوان پایتخت ـ که پشت دیگر یلان را به خاک رسانده بود ـ اعطا می‌شد و تا زمانی که دیگری بر او تفوق نمی‌یافت امتیاز مزبور از آن وی بود (شاملو، ۱۳۷۷: ۱۱۵۵). تصویر ۱ نمونه‌ای از این بازوبندهاست.

تصویر ۱: بازوبند پهلوانی، قرن ۱۳هجری
(https://islamicworld.britishmuseum.org/collection/RRM38302)

ب) بازوبندهای فلزی

نوع دوم بازوبندهای مورد استفاده، بازوبندهای فلزی بودند. در ساخت این بازوبندها از فلزات مختلفی همچون آهن، فولاد، مس، روی، برنز، نقره یا طلا استفاده می‌شد. پندارهٔ دیرین مردم ایران مبنی بر قائل بودن اصلی الهی و آسمانی برای فلزات و نسبت دادن خواص سحرآمیز به آن‌ها با این موضوع در ارتباط است. ساخت بازوبندهای فلزی در دوران اسلامی گسترش یافت. در این دوران متأثر از معتقدات دینی، بستن قرآن‌های کوچک و حرز و ادعیه‌ای که در قابی فلزی قرار گرفته بودند، به بازو برای در امان ماندن از بلایا، رواج داشت.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴-۱-۳. کاربردهای بازوبند

طلسم‌ها و تعویذهایی که بر روی بازوبندهای دورهٔ قاجار به‌کار رفته‌اند، اگرچه جلوه‌ای سحرآمیز از این آثار را به نمایش می‌گذارند؛ اما عمدتاً بر پایهٔ نیایش به درگاه خدا و بهره‌گیری از *قرآن* و ادعیهٔ مذهبی شکل گرفته‌اند. بررسی نقوش، نمادها، اذکار و اوراد نوشته‌شده بر روی این بازوبندها، حاکی از کاربرد آن‌ها برای اهداف متفاوت است؛ کاربردهایی همچون حفاظت از بلایا، غلبه بر دشمن، کسب متاع و لذات دنیوی، عشق، باروری و نیک‌فرجامی.

۴-۱-۳-۱. حفاظت از بلایا

دستهٔ بزرگی از بازوبندهای طلسمی را غلاف‌های تعویذی تشکیل می‌دهند که حاوی بخش‌هایی از *قرآن* یا ادعیه هستند. در این آثار هیچ اشاره‌ای به نمادها و جدول‌های طلسمی نمی‌شود. از این رو، اعتقاد غالب در طراحی این آثار، تکیه بر قدرت خداوند و ائمه در رسیدن به ایمنی است؛ زیرا در باور مسلمانان، حفاظت از بیماری، بلا و مصیبت، تنها از طریق توسل به خدا و به خواست او انجام‌پذیر است (تصویر ۲).

تصویر۲: بازوبند نقره، اواسط قرن ۱۳هجری cm ۶/۶× ۲
(http://jameelcentre.ashmolean.org/collection/6980/9992/0/12
716#details)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴-۱-۳-۲. غلبه بر دشمن

اگرچه در مبانی فکری مسلمانان استعانت جستن از خداوند متعال، شرطی اساسی برای غلبه بر دشمنان است؛ لیکن در بسیاری از بازوبندها ضمن استفاده از آیات قرآنی: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَریبٌ» (صف/۱۳/۶۱) و «إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُبِینًا» (فتح/۱/۴۸) جهت تأثیرگذاری بیشتر، از جدول‌ها و نقوش طلسمی نیز استفاده شده است (تصویر۳).

تصویر۳: دو طرف یک بازوبند نقره، قرن ۱۳هجری (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

بازوبندهای «شیر و الشمس» نیز از این دسته‌اند که اغلب از جنس نقره یا فولاد و برای پهلوانان و کشتی‌گیران ساخته می‌شدند. بر این بازوبندها نقش شیر و داخل بدن شیر سورهٔ الشمس نقش می‌شد. اشارهٔ تمثیلی نقش شیر به حضرت علی (ع) «اسدالله» و استعانت از وی به‌عنوان یک شخصیت الهی که سرسلسلهٔ پهلوانان است، می‌تواند از عمده‌ترین دلایل کاربرد این نقش بر روی بازوبندهای پهلوانی باشد (تناولی، ۱۳۹۴: ۷۴). بر روی بیشتر این بازوبندها، در کنار نقش شیر و الشمس، جدول‌های طلسمی، اعداد و حروف ابجد نیز نقش می‌شد (تصویر۴).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

تصویر۴: بازوبند شیر و الشمس، نقره، قرن ۱۳هجری ۸/۷ cm × ۷/۶
(تناولی، ۱۳۹۴: ۷۲)

۴-۱-۳-۳. کسب متاع و لذات دنیوی

رسیدن به سعادت، عاقبت‌به‌خیری و به‌دست آوردن نعمت‌ها و لذت‌های دنیوی از دیگر مواردی است که بر بازوبندها نقش شده است. برای این منظور اغلب آیهٔ ۱۴ سورهٔ آل‌عمران که در آن به امور مادی و تعلقاتی همچون زنان، فرزندان، اموال هنگفت، اسب‌های ممتاز، چهارپایان و زراعت اشاره شده است، استفاده می‌شد (تصویر۵).

تصویر۵: بازوبند طلسم و دعا، برنج ، اوایل قرن ۱۳ه، ۴/۸ cm، مأخذ:
(تناولی،۱۳۹۴: ۷۵)

تصویر۶: بازوبند طلسمی، نقره، قاجار، ۷/۱ cm(تناولی، ۱۳۹۴: ۷۴)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴-۱-۳-۴. عشق

بعضی بازوبندها برای ایجاد و تداوم عشق میان همسران به‌کار می‌رفته‌اند. بر روی این بازوبندها، اغلب آیهٔ «ان یکاد» (قلم/۵۱/۶۸)، نوشته شده و تصویر زوجی، همراه با خورشید نورانی و گرمابخش نقش شده است. این طرح، جزو نقوشی است که به‌طور انحصاری بر بازوبندهای طلسمی حک شده و موردی از کاربرد آن بر تعاویذ و حرزها مشاهده نشده است (تصویر۶).

۴-۱-۳-۵. باروری و نیک‌فرجامی

توسل به نمادهای سحرآمیز از قدیم‌ترین روش‌های درمانی در سراسر جهان است. بر این بازوبندها اکثراً جدول‌هایی نقاشی شده است. در خانه‌ای از جدول، یک جفت شمایل انسانی زن و مرد و در خانه‌ای دیگر نقش جفت ماهی، یا نمادهای خورشید و ماه به‌عنوان نماد باروری و نیک‌فرجامی حکاکی شده‌اند (تصویر۷).

تصویر۷: بازوبند طلسمی، نقره، قاجار (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴-۲. پیوست‌های صوری و فرهنگی رایج در بازوبندهای دورهٔ قاجار

گرایش به طلسم و دعا در جامعهٔ ایرانی عصر قاجار عمومی و گسترده بود و بهره‌گیری فراوان از انواع طلسمات، تعویذها و حتی توسل به جادو از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نمودهای این تمایل به‌شمار می‌رود. طلسم‌ها و تعویذها انواع بسیار داشته است و از مواد مختلفی ساخته می‌شدند (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ذیل «باطل‌سحر»). مضامین درج‌شده بر روی بسیاری از این طلسم‌ها، پیوستگی قابل توجهی با فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، شیعی دارند. این پیوست‌ها را می‌توان در دو بخش ملاحظه کرد:

۴-۲-۱. پیوست‌های روایی بازوبندها

بخشی از روش تحلیلی برای درک ساختار فرهنگ، توجه به روایت‌هاست؛ زیرا «کل فرهنگ به اسلوب روایتگری شکل گرفته است» (ریکور، ۱۳۸۶ : ۵۶) و روایت نیز همچون تاریخ، معناهای ضمنی بسیاری دارد. روایت‌های درج‌شده بر بازوبندها عبارت‌اند از:

۴-۲-۱-۱. روایت عاشقانه

بنا بر باورهای عامه عشق یکی از تقدیراتی است که چاره‌گری آن، در بسیاری از موارد جز با مدد جستن از نیروهای ماورائی امکان‌پذیر نیست. مطالعهٔ جنبه‌های تصویری بازوبندها حاکی از آن است که در همه جای این آثار، تصویرها کارکردی مفید و تدبیرساز دارند. استفاده از تصویرگری و خاصیت القایی تصاویر در متبادر ساختن برخی افکار و حالات به ذهن آدمی، یکی از کهن‌ترین تدابیر جادویی برای وصول به مقصود است که اغلب از رهگذر ایجاز در بیان و تأکید بر مضمون اصلی صورت می‌گیرد. تصویر ۸ از بازوبندهایی است که برای این منظور طراحی شده و در آن پیکرهٔ زن، مرد و خورشید دیده می‌شود. شخصیت‌های این روایت قابل شناسایی نیستند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

تصویر۸: بازوبند نقره، قرن ۱۳هجری cm
(۷/۵
http://www.qajarwomen.org/fa/items/1333A14.html

۴-۲-۲. نمادها

یکی از مفاهیم بااهمیت برای خوانش فرهنگی آثار، توجه به نمادهاست. انتقال معانی فرهنگی از مهم‌ترین کارکردهای نماد است. نمادهای رایج در بازوبندها را می‌توان از دو جهت ملاحظه کرد:

۴-۲-۲-۱. وجه نمادین بازوبندها از نظر شکل ظاهری

در بررسی شکل ظاهری بازوبندها، دو نماد عمده قابل تشخیص‌اند که عبارت‌اند از: دایره و چشم.

الف) دایره: دایره را نمادی از آسمان، عالم معنا، الوهیت، هماهنگی، زندگی‌بخشی و زمان دانسته‌اند. چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، دایره به‌عنوان یک مدار بسته نماد

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

حمایت است. «مندل» و «دایرهٔ تعویذ» که ویژگی حفاظت‌کنندگی دایره را آشکار می‌کنند نیز به همین معنا اشاره دارند (بزرگ‌بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۲).

ب) چشم: تمثیلات و عباراتی همچون چشم سر، چشم دل، چشم حق و نظایر آن، بیانگر کاربرد نمادین چشم در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی است که در آن چشم به‌عنوان نماد بصیرت باطنی استفاده می‌شود. کلمهٔ عین در سنت اسلام، علاوه بر چشم به معنی تمامیتی خاص، چشمه یا جوهر نیز هست و به‌عنوان نماد شناخت و بینش مافوق طبیعت به‌کار می‌رود. تک‌چشم بدون پلک، نماد جوهر و آگاهی الهی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۵۱۴) (تصویر۹).

تصویر۹: بازوبند به شکل چشم، نقره، اوایل قرن ۱۳ هجری cm ۷/۴ × ۹/۷ (تناولی،۱۳۹۴: ۷۳)

۴-۲-۲-۲. نمادها از حیث تصاویر مندرج بر روی بازوبندها

مجموعهٔ آثار و علائم نقش‌شده بر روی بازوبندها را بیشتر نمادهای طبیعی تشکیل می‌دهند که بخشی از آن‌ها، شاخص‌ترین نمادهای رمزپردازی‌شدهٔ آیینی در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی، شیعی هستند. این نمادها عبارت‌اند از:

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

الف) شیر: شیر مظهر قدرت، توان و نیرو بوده است و در روزگار باستان، به‌منزلهٔ مظهر و نمایندهٔ خورشید شناخته می‌شد. این نقش از پرتکرارترین نقوش در هنر ایران پیش و پس از اسلام است. نقش شیر به‌تنهایی و یا همراه با خورشید، پس از اسلام دارای معانی مذهبی است. در بسیاری از این آثار نقش شیر، نماد حضرت علی (ع) بوده و شاخص‌ترین نماد شیعی به‌کار رفته در آثار مختلف هنر شیعی است (خزایی، ۱۳۸۰: ۳۸) (تصویر ۱۰)

تصویر ۱۰: بازوبند با نقش شیر، نقره، قرن ۱۳ هجری
(تناولی، ۱۳۹۴: ۷۲)

ب) خورشید: از بین عناصر زیست‌شناختی مقدس، خورشید مهم‌ترین مظهر طبیعی قداست است. خورشید فرشتهٔ فروغ و روشنایی و نام یکی از ایزدان مزدیسناست که در بخش‌های *اوستا* از آن سخن رفته است. در نمادگرایی ایرانی، خورشید به‌منزلهٔ چشم اهورامزدا و در متون اسلامی، چشم همه‌نگر و همه‌آگاه خداوند است (بهزادی، ۱۳۸۰: ۵۵). نمونه‌های متعددی از آثار فلزکاری اسلامی، قرص تابان خورشید را در برج فلکی اسد، به‌عنوان یک ویژگی نجومی نمایان می‌کند؛ اما در نمونه‌های مربوط به دورهٔ قاجار، رویکرد غالب در تصویرگری خورشید، اشاره به وجه نمادین آن است. قرص خورشید بالدار، از نمادهای مورد استفاده در بازوبندهای قاجاری است که بیشتر بر روی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

بازوبندهایی با موضوع عشق و ازدواج، حکاکی شده است و احتمالاً برای آن کاربردی جادویی به‌عنوان نمادی از خورشید گرمابخش و عشق قائل بوده‌اند (تصاویر ۶ و ۸).

تصویر۱۱: خورشید بالدار، برگرفته از بازوبند شمارهٔ ۸

ج) شیر و خورشید: در رمزپردازی‌های آیینی و ملی ایران، شیر و خورشید، نه‌تنها به‌عنوان یک نماد ملی، بلکه به‌عنوان یک نماد شیعی، شناخته شده و بر روی آثار مختلف کاربرد گسترده‌ای داشته است. در فرهنگ ایران از دیرباز، خورشید به‌عنوان مظهر خداوند و شیر نشانهٔ قدرت و اقتدار، هر دو به خدایان مربوط بوده‌اند (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). در معتقدات شیعیِ مردم ایران، شیر و خورشید نماد مقدسی است که با شخصیت حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) پیوسته است (خزایی، ۱۳۸۰: ۳۸). در دورهٔ قاجاریه نقش شیر و خورشید کاربردی روزافزون یافت. اهمیت قدسی این نقش و اعتقاد مردم به خوش‌یمنی آن را می‌توان از دلایل این امر برشمرد (تصویر۱۲).

تصویر۱۲: بازوبند نقره، اوایل قرن ۱۳هجری ۸/۶ cm،
(تناولی، ۱۹۸۵: ۴۰)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

د) ماهی: ماهی در روایات اسلامی به‌نحو مؤثری حضور دارد. بسیاری از مفسران *قرآن* برآنند که مراد از «ن» که در آغاز سورهٔ قلم آمده، ماهی‌ای است که جهان بر پشت اوست. دوازدهمین ماه سال نیز حوت (ماهی) نام دارد. بنابر آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ سورهٔ صافات، حضرت یونس (ع) را ماهی‌ای فروبلعید. شباهت شگفت‌انگیز داستان‌های رایج در فرهنگ‌های کهن سراسر دنیا و اسطوره‌های برخی از اقوام ابتدایی با داستان حضرت یونس و ماهی، توجه بسیاری از دین‌پژوهان را برانگیخته است. این اسطوره‌ها بیان نمادینی از تقابل مرگ و ظلمت با زندگی و نور هستند (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۳: ۷۶). استفاده از تعویذهای ماهی‌شکل از قرن ۱۹م/ ۱۳ق در فرهنگ ایران گسترش پیدا کرد. این تعویذها معمولاً حاوی کتیبه‌های جادویی غیرقرآنی همراه با اعداد هستند (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۰۸). ظاهراً باور عامه مبنی بر خوش‌یُمنی ماهی می‌تواند با این موضوع در ارتباط باشد.

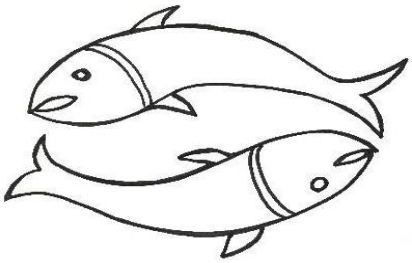

تصویر۱۳: نقش ماهی، برگرفته از بازوبند شمارهٔ ۷

ه) پیکرهٔ زن و مرد: مشی و مشیانه، مهلی و مهلیانه یا آدم و حوا، اسطورهٔ نخستین جفت انسانی در روایت‌های ایرانی و اسلامی هستند. مسئلهٔ ازدواج و افزایش نسل آدمی، نقطهٔ محوری این اسطوره است (فرنبغ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۸۱). بر روی بسیاری از بازوبندهای مرتبط با موضوع عشق و ازدواج، تصویر زوجی به چشم می‌خورد. در بازوبند شمارهٔ ۸ پیکرهٔ زن و مرد با پوششی گیاهی محصور شده است که با توجه به نوع بازوبند، می‌تواند با گیاه ریباس یا عشقه در اسطورهٔ ایرانیِ مشی و مشیانه در ارتباط باشد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

و) نباتی: درخت‌های مقدس همراه با اساطیر و آیین‌های مربوط به آن بخش مهمی از مذهب، تاریخ، باورهای قومی و روایت‌های مردمی رایج در سرتاسر جهان را تشکیل می‌دهند. درخت جاودانگی، هوم سپید، درخت هزار تخمه، درخت گوکرن (همان، ۶۵ ، ۸۷)، درخت معرفت (بقره/ ۳۵/۲)، درخت مریم یا نخل (مریم/ ۱۹/ ۲۳)، و شجر اخضر (یس/ ۳۶/ ۸۰)، نمونه‌هایی از معروف‌ترین درختان مقدس شناخته‌شده در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی پیش و پس از اسلام هستند. نقوش گیاهی در بازوبندها خیلی مورد استفاده نبوده است و در مواردی معدود، به‌شکل نوعی درخت یا گیاه ریواس و نظایر آن مشاهده می‌شود (تصویر۱۴).

تصویر۱۴: بازوبند عقیق، دورهٔ قاجار، همراه با جزئیات
https://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details/collection_image_gallery.aspx?assetId=6811001&objectId=217646&partId=1#more-views

۴-۲. کُدها و رمزنگاره‌ها

منظور از کُد در این پژوهش، مجموعه‌ای از نوشته‌ها و حروف است که بر مفاهیم فرهنگی یا مذهبی دلالت دارند. میزان بسامد کُدهای فرهنگی در هر بخش از فرهنگ، نشانگر اهمیت آن کُدها در قیاس با سایر موارد است. کُدهای رایج در بازوبندها را در دو بخش کلی می‌توان مورد ملاحظه قرار داد:

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

۴-۲-۱. کُدهای فرهنگی

منظور از کُدهای فرهنگی اشعار، آیات، احادیث هستند که نمونهٔ شعری در بازوبندها مشاهده نشد؛ اما نوشته‌های اعتقادی از متداول‌ترین کدهای مورد استفاده هستند. این نوشته‌ها عبارت‌اند از:

الف) اسماء الهی: پیشینیان بر این باور بودند که میان نام، ذات و نیروهای واقعی پیوندی عمیق و استوار برقرار است، به‌گونه‌ای که گویی این دو، یعنی اسم و ذات، مفهوم و بوده‌ای یگانه‌اند و از همین روی با دانستن نام واقعی کسی یا چیزی می‌توان آن را در اختیار گرفت (سرکاراتی، ۱۳۷۷: ۲۲). در نزدیکی به همین مضمون و با استناد به آیهٔ قرآنی «لله اسماء الحسنی فادعوه بها» (اعراف/۷ /۱۷۹) در بسیاری از طلسم‌ها و تعاویذ از اسامی خداوند استفاده شده است (تصویر۱۵).

تصویر۱۵: دو طرف یک بازوبند نقره، اوایل قرن ۱۴هجری (تناولی،۱۳۹۴: ۷۵).

ب)آیات قرآنی: سوره‌های قرآنی «فلق»، «الناس» و «آیه‌الکرسی» از مشهورترین سوره‌های قرآنی برای بی‌اثر ساختن چشم‌زخم و محافظت از بلایا هستند. علاوه بر آن-

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

ها، استفاده از آیهٔ ۳۵ سورهٔ نور (تصویر۱۵) سورهٔ الشمس (تصاویر ۴ و ۱۰) و آیات ۵۱ و ۵۲ سورهٔ قلم (ان‌یکاد) نیز در بازوبندها کاربرد گسترده‌ای داشته است.

ج) اسامی اهل بیت (ع) و صلوات: توسل به ائمه از محوری‌ترین عقاید شیعیان برای رسیدن به حاجات است. از این‌رو نوشتن اسامی اهل بیت (ع) و صلوات، بر روی

تصویر۱۶: بازوبند نقره با سنگ‌های قیمتی، قرن ۱۳هجری
(https://www.christies.com/lotfinder/jewelry/a-qajar-talismanic-bazuband-iran-19th-century-5985290-details.aspx?from=searchresults&intObjectID=5985290&sid=82e16127-

بسیاری از تعویذها و بازوبندها رایج بود (تصویر۱۶).

تصویر۱۷: جزئیات تصویر شمارهٔ ۱۶

د) دعای ناد علی: یکی از مشهورترین ادعیهٔ شیعی، دعای ناد علی است. اعتقاد به خواص معجره‌آسای این دعا در برآورده شدن حاجات، سبب کاربرد آن بر روی برخی از اشیای طلسمی و ازجمله بازوبندها شده است. این عبارت، نه فقط استعانت جستن از حضرت علی (ع)، بلکه یک شعار اعتقادی شیعی است که در مناسبت‌های مختلف و بر روی آثار متفاوت به‌کار می‌رود.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

تصویر۱۸: بازوبند نقره، اواسط قرن ۱۳هجری
http://jameelcentre.ashmolean.org/collection
(/6980/9992/0/12716#details

۴-۲-۲. رمزنگاره‌ها

خلاصه‌نویسی کلمات و نوشتن حروف به‌صورت رمز از مواردی است که در شاخه‌های مختلف علوم غریبه کاربرد دارد. اعتقاد به خاصیت حروف یا «علم اسرار حروف» ـ که قدمت آن به قرن‌های اول اسلامی می‌رسد ـ در دورهٔ قاجار گسترش یافت. صاحب‌نظران این حوزه، بر این باور بوده و هستند که این حروف و اعداد رمزی با پیدایش عالم خاکی، ارواح و مظاهر آسمانی، ذات الهی و اسمای خداوندی که خالق این پدیده‌هاست، ارتباط دارند (تناولی، ۱۳۹۴: ۲۰). رایج‌ترین رمزنگاره‌های رایج بر روی بازوبندها عبارت‌اند از:

الف)اسم اعظم

اسم اعظم بسیار ناشناخته و دست‌نیافتنی است و اگر نزد کسی باشد، مستجاب‌الدعوه می‌شود و از او کارهای شگفت برآید. از قصص و روایات اسلامی برمی‌آید که سه کس هر کدام به‌گونه‌ای با نام بزرگ خدا در ارتباط بوده‌اند. آن سه تن عبارت‌اند از: بلعم باعور، آصف بن برخیا و سلیمان بن داوود (یاحقی، ۱۳۷۵: ۸۷).

در برخی از آثار ازجمله کتاب *شمس‌المعارف الکبری*، طلسمی آمده است که یکی از اجزاء آن ستارهٔ داوود است. این طلسم که در برخی از کتاب‌های اسلامی گسترش یافته، احتمالاً مربوط به قوم یهود است (ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). تصویر ۱۹ این طلسم را نشان می‌دهد که مشابه آن بر بازوبند شمارهٔ ۲۰ نقش شده است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

تصویر۱۹: اسم اعظم(ذاکری، ۱۳۸۸: ۱۳۵)

تصویر۲۰: بازوبند نقره، قرن ۱۳ هجری (خلیلی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

ب)حروف: واعظ کاشفی در باب تأثیر حروف در طلسم مطالب مفصلی دارد؛ مثلاً حرف «ج» دافع چشم زخم، حرف «د» برای جلب دوستی شاهان، «ذ» برای بیمار کردن و نظایر آن است (موسی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷). با توجه به نمونه‌های مورد بررسی، ظاهراً کاربرد حروف به اندازهٔ اعداد بر روی بازوبندها گسترده نبوده یا این‌که با مقاصد سفارش‌دهندگان، مطابقت نداشته است. بر روی بازوبندهای شمارهٔ ۶ و ۱۲ کاربرد حروف دیده می‌شود.

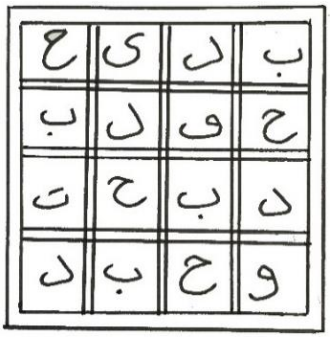

ح	ی	د	ب
ب	د	ف	ح
ت	ح	ب	د
د	ب	ح	و

تصویر۲۱: کاربرد حروف، برگرفته از بازوبند شمارهٔ ۱۲

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

ج) اعداد: در بسیاری از موارد رمالان و دعانویسان به‌جای حروف، از معادل عددی آن‌ها استفاده می‌کردند. کاربرد اعداد بر روی بازوبندها بسیار گسترده بود (تصویر۲۲).

تصویر۲۲: بازوبند شیر و خورشید، قرن ۱۳هجری برنج
https://www.britishmuseum.org/research/collection_online/collection_object_details.aspx?objectId=218042&partId=1&searchText=qajar&images

د) مربعات جادویی: در این نوع طلسم که بیشتر بر جدول و عدد استوار است، از مجموع چند عدد، به جدول‌هایی می‌رسیدند که به مربعات جادویی مشهور است (عزیزی‌فر، ۱۳۹۲: ۹۰). اعداد مفروض را از حروف سوره‌های قرآن می‌گرفتند و آن‌ها را در جدول‌های مختلف قرار می‌دادند و برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های متفاوت به‌کار می‌بردند (تصویر۲۳).

تصویر۲۳: بازوبند نقره، قرن ۱۴هجری، cm ۶/۷ (تناولی، ۱۳۹۴: ۷۴)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

با توجه به محتوای رایج در این آثار، می‌توان گفت یاد خداوند و توکل به او از برجسته‌ترین موضوعات نقش‌شده بر بازوبندهاست که در موارد مختلفی همچون استعانت جستن از خداوند برای غلبه بر دشمنان، پناه بردن به او از شر گزند اهریمن، چشم بد، انسان‌های شرور و سایر پلیدی‌ها قابل مشاهده است. این موضوعات مبتنی بر شریعت‌گرایی است.

۵. نتیجه

نتیجهٔ این بررسی ضمن آنکه نشان از تأثیر مستقیم باورهای عامیانه و اعتقادات اسلامی بر مضامین رایج در بازوبندهای دورهٔ قاجار دارد، بیانگر تداوم باورهای عامیانهٔ کهن ایرانی نیز هست که شاخص‌ترین وجه آن را می‌توان در استفاده از عناصری همچون خواص سنگ‌های سحرآمیز و فلزات به‌عنوان عناصری اهریمن‌ستیز، مشاهده کرد. با توجه به نمونه‌های موردبررسی، مشخص شد که بازوبندها برای مقاصد و اهداف متفاوتی همچون حفاظت از بلایا، غلبه بر دشمن، کسب متاع و لذات دنیوی، عشق، باروری و نیک‌فرجامی کاربرد داشته‌اند.

پیوست‌های فرهنگی رایج در این بازوبندها، در سه وجهِ روایت‌ها، ویژگی‌های نمادین و کُدهای فرهنگی قابل ملاحظه است. در وجه اول روایت‌های رایج بر بازوبندها به عشق، بدون مرجع مشخص به داستان یا روایتی عاشقانه و ادبی محدود هستند.

در وجه دوم، یعنی ویژگی‌های نمادین باید گفت بسیاری از تصاویر رایج در بازوبندها در این دوره شکل نمادین دارند. این نمادها اغلب در شکل‌های جانوری و اساطیری نمود یافته است. بیشترین نوع کاربرد به نمادهای جانوری و به‌خصوص نقش شیر به‌عنوان نماد حضرت علی (ع)، مربوط می‌شود. نقش شیر و خورشید نیز به‌عنوان یک نقش ملی، مذهبی از دیگر نقوش پربسامد در بازوبندهای دورهٔ قاجار است. باید گفت، پیوستگی این معانی با ذهن و زندگی عامهٔ مردم که ریشه در فرهنگ ایرانی ـ اسلامی دارد، به گسترش انواع نمادهای منطبق با باورهای دینی، مذهبی و عامیانه منجر شده است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

در وجه سومِ پیوستگی فرهنگی بازوبندها، یعنی کدهای فرهنگی، این کُدها بر روی تعداد زیادی از بازوبندهای دورهٔ قاجار قابل مشاهده بود و شامل چهار بخش کلی است: ۱. اسماء الهی، ۲. آیات قرآنی، ۳. اسامی اهل بیت، ۴. دعای ناد علی. از بین این کُدها، کاربرد اسماء الهی و برخی از آیات قرآنی ازجمله آیهٔ «ان‌یکاد» بیش از دیگر کُدهاست. رمزنگاره‌ها از دیگر مضامین رایج در بازوبندها هستند که در چهار وجه نمود یافته‌اند: ۱. اسم اعظم، ۲. اعداد، ۳. حروف، ۴. مربعات جادویی. از بین این رمزنگاره‌ها، اعداد و مربعات جادویی کاربرد گسترده‌تری دارند. مقایسهٔ مضامین رایج در بازوبندها، نشان از گستردگی کاربرد کُدهای فرهنگی، در مقایسه با سایر موارد دارد.

نگاهی کلی به جنس، انواع، اذکار و تصاویر بازوبندهای دورهٔ قاجار بیانگر این نکته است که در هم‌تنیدگی اعتقادات عامه و باورهای مذهبی به‌صورت نظامی فکری و لاهوتی، برای انتقال نیروهای خوش‌یُمن و کارگشا در بازوبندها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بازوبندهایی که بی‌شک مبنای ساخت و کاربرد آن‌ها بر اساس آرزوهای دست نیافتنی و ایجاد سدی محکم در برابر بلایا و سختی‌ها بوده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Jeffrey Alexander
2. Philip Smith
3. Émile Durkheim
4. Autonomy
5. Thick description
6. Clifford Geertz
7. Scare
8. Profane

۹. برای کسب اطلاعات بیشتر و مشاهدهٔ تصاویر رک: غیبی، ۱۳۹۱.

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۲). «برخی نکات و بن‌مایه‌های داستانی منظومهٔ پهلوانی ـ عامیانهٔ زرین‌قبانامه». *فرهنگ و ادبیات عامه*. ش۱. صص ۱– ۴۰.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

- ـــــــــــــ (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل چند رسم پهلوانی در متون حماسی». *پیک نور*. س ۱. ش۱. صص ۵-۲۶.
- بزرگ‌بیگدلی، سعید و همکاران (۱۳۸۶). «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)». *پژوهش‌های ادبی عرفانی*. ش۱. صص ۷۹- ۹۸.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۱). «باطل‌سحر». *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. به سرپرستی کاظم موسوی بجنوردی. ج۱۱. تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. صص ۱۹۰- ۱۹۴.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۰). «نماد در اساطیر (فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب)». *کتاب ماه هنر*. ش ۳۵ - ۳۶. صص ۵۲- ۵۶.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶). *آثارالباقیه*. ترجمهٔ اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- تناولی، پرویز (۱۳۹۴). *طلسم گرافیک سنتی ایران*. چ۴. تهران: بن‌گاه.
- جهانشاهی‌افشار، علی و جواد مداحی‌مشیزی (۱۳۹۶). «تعویذ در فرهنگ عامه (مطالعهٔ موردی: فرهنگ عامهٔ مردم کرمان)». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۵. ش۱۳. صص ۲۷- ۵۰.
- خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۸۸). «یکی داستان است پر آب چشم». *گل رنج‌های کهن*. به کوشش علی دهباشی. چ۱. تهران: ثالث. صص ۶۱- ۹۸.
- خزایی، محمد (۱۳۸۰). «نقش شیر نمود امام علی (ع) در هنر اسلامی». *کتاب ماه هنر*. ش ۳۱ و ۳۲. صص ۳۷- ۳۹.
- خلیلی، ناصر (۱۳۸۷). *ابزارآلات علمی (مجموعه هنر اسلامی)*. ویراستار انگلیسی جولیان رابی. ویراستار فارسی ناصر پورپیرار. ترجمهٔ غلامحسین علی مازندرانی. تهران: کارنگ.
- ذاکری، مصطفی (۱۳۸۸). «ابداع خطوط رمزی در فرهنگ اسلامی و ایرانی». *آینهٔ میراث*. ش ۴۵. صص ۱۲۱- ۱۴۲.
- رضی، هاشم (۱۳۷۶). *وندیداد*. تهران: فکر روز.
- ریکور، پل (۱۳۸۶). *زندگی در دنیای متن: شش گفت‌وگو، یک بحث*. ترجمهٔ بابک احمدی. تهران: مرکز.
- *زرین‌قبانامه، منظومه‌ای پهلوانی و پیرو شاهنامه از عصر صفویه* (۱۳۹۳). تصحیح سجاد آیدنلو. تهران: سخن.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۷). «دربارهٔ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن». *نامهٔ فرهنگستان*. س ۴. ش۱. صص ۲۱- ۷۲.
- شاملو، احمد (۱۳۷۷). *کتاب کوچه*. با همکاری آیدا سرکیسیان. حرف ب. تهران: مازیار.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها*. ترجمهٔ سودابه فضایلی. ج۳. چ۲. تهران: جیحون.
- ـــــــــــــــــــــــــــــ (۱۳۸۴). *فرهنگ نمادها*. ترجمهٔ سودابه فضایلی. ج۲. چ۲. تهران: جیحون.
- *شایست ناشایست* (۱۳۶۹). ترجمهٔ کتایون مزداپور. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۴۸). *تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عزیزی‌فر، امیرعباس (۱۳۹۲). «بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانهٔ فارسی (سمک عیار، حسین کرد و امیر ارسلان)». *متن‌شناسی ادب فارسی*. س ۵. ش ۱. صص ۸۳- ۱۰۰.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۱). *۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی*. ترجمهٔ منوچهر غیبی. تهران: هیرمند.
- فخرائی، سیروس (۱۳۸۸). «تفکر جامعه‌شناختی جفری الکساندر». *جامعه‌شناسی*. س ۱. ش۴. صص ۲۹- ۵۴.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷). *شاهنامه*. تهران: کتاب‌سرای نیک.
- فرنبغ دادگی (۱۳۶۹). *بُندَهش*. ترجمهٔ مهرداد بهار. تهران: توس.
-کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشهٔ بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- مجلسی، ملا محمدباقر (۱۳۷۳). *حلیه‌المتقین*. تهران: جاویدان.
- مختاریان، بهار و عارفه صرامی (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری دوگانگی نماد دو ماهی». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*. د ۴. ش۲. صص۶۹- ۸۸.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۷). *دوازده+ یک؛ سیزده پژوهش دربارهٔ طلسم، تعویذ و جادو*. تهران: کتاب مرجع.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی*. تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نیکوبخت، ناصر و همکاران (۱۳۸۹). «فلز و قداست آن در اساطیر ملی و متون دینی». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ش ۱۸. صص ۱۷۷- ۲۰۰.
- هال، جان. آر و مری جونیتس (۱۳۹۰). *فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی*. ترجمهٔ فریبرز مجیدی. تهران: سروش.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. تهران: سروش.

-Alexander, J. C. & Ph. Smith (1993). "The Discourse of American Civil Society: A New Proposal for Cultural Studies". *Theory &; Society*. 22(2). Pp. 151–207.

- Alexander, J. & Ph. Smith (2006). "Strong Program in Cultural Sociology: Elements of Structural Hermeneutics". Jeffrey C. Alexander. *The Meanings of Social Life: a Cultural Sociology*. Oxford and New York: Oxford University Press. Pp. 11-26.

- Woodward, Ian (2007). *Understanding material culture*. Sage publications. London.

- http://www.britishmuseum.org/collection_online/collection_objects
- https://www.christies.com/lotfinder/searchresults.aspx
- http://www.Jameelcenter.ashmolean.org/collection
- http://www.qajarwomen.org/fa/item/1333A14.html
- https://www.noormags.ir

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

Culture and Folk Literature_____ Year. 7, No. 26, June & July 2019

Arm bands of amulet and wish (Formal and cultural annexes of Qajar armbands)

Sakineh Khatoun Mahmoudi[1] Seyyed Aboutorab Ahmad Panah [*2] Mohammad khazaei[3]

1. Ph.D. candidate in Islamic art – Tarbiat Modares University – Tehran –Iran.
2. Assistant professor of visual communication – Faculty of art and architecture-Tarbiat Modares University-Tehran –Iran.
3. Professor of professor of visual communication – Faculty of art and architecture-Tarbiat Modares University-Tehran –Iran.

Received: 16/11/2018 Accepted: 17/04/2019

Abstract

Today, in historical and cultural studies, objects and images are also called sources of information as text- document. They are important not only to supply the information of written sources, but also to provide information enabling writers of historical texts who have not been able to express them. Examining these works and reading commonly used cultural themes can help better understand public opinion and lifestyle. The themes of magic and amulet are derived from the main doctrines and ways of thinking. The common cultural and religious ties that unite them are closely tied to the popular culture of the people. In the context of this study and in order to understand the influence of ideology and religion on the material culture of the Qajar period, the authors have tried to apply different themes to these works by studying the case of armbands to answer the following question: how do Islamic Shi'a notions fit into the apparent structure and patterns of Qajar armbands? Research methodology is descriptive – analytical. In this research, this issue has been addressed in two parts of the position of Iranian -Islamic culture and the formal and cultural annexes of amulets (narratives, codes and decipherments). The result of this study, while demonstrating the direct effect of Shia and Islamic beliefs on Qajar periodical armbands, showed the direct effect of popular beliefs on how these works are used and designed.

Keywords: Material culture; Shia religion; armband; Qajar period

***Corresponding Author's E-mail:** Ahmadp_a@modares.ac.ir

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.3.1]